

واکاوی مولفه‌های تاثیرگذار بر همگرایی کشورهای اسلامی (باتاکید بر ظرفیت‌های انقلاب اسلامی)^۱

حسین ابوالفضلی کریزی^۲

مریی و مدیرگروه علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

محمد ستوده

دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰

چکیده

انقلاب اسلامی ایران ظرفیت‌های مناسبی دارد که می‌تواند بستر همگرایی کشورهای اسلامی را تسهیل بخشد. در این تحقیق تلاش شده است تا از طریق دستاوردهای انقلاب اسلامی، نخست ظرفیت‌های انقلاب اسلامی مشخص و سپس چگونگی تسری این ظرفیت‌ها به کشورهای اسلامی مورد مطالعه قرار گیرد. از این رو تلاش شده است، با تلفیق نظریه همگرایی و نظریه پخش چارچوب مناسب در این زمینه طراحی شود. مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، تلفیق دین و سیاست، تأسیس نظام سیاسی مردم‌سالار، استکبارستیزی و مقابله با نظام سلطه و ... برخی از ظرفیت‌هایی است که در این جا به آن اشاره شده است. همچنین، استفاده از ظرفیت نهادها و سازمان‌هایی چون؛ سازمان همکاری‌های اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، کنفرانس وحدت اسلامی، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، دیپلماسی عمومی در وزارت امور خارجه و سازمان‌های مرتبط و ... برخی از ابزارهای است که می‌تواند به عنوان مسیر پخش ظرفیت‌های انقلاب اسلامی به کشورهای دیگر باشد.

واژگان کلیدی: کشورهای اسلامی، همگرایی، ظرفیت‌های انقلاب اسلامی، نظریه پخش، نظریه نوکارکرد
گرایایی

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری حسین ابوالفضلی کریزی با عنوان «بررسی ظرفیت‌های انقلاب اسلامی در همگرایی کشورهای اسلامی» در دانشگاه معارف اسلامی است.

۲- (نویسنده مسئول) hosainabolfazly47@yahoo.com

مقدمه

کشورهای اسلامی دارای امکانات و توانمندی‌های زیادی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، انسانی و جغرافیایی می‌باشند و در صورت همکاری و همگرایی می‌توانند نقش موثری را در تعیین سرنوشت خود و سیاست بین‌المللی ایفا نمایند. اما به دلیل ضعف‌های داخلی و مداخله قدرت‌های بزرگ نتوانسته‌اند. در راستای منافع مشترک از امکانات خود بهره‌برداری نمایند.

تجربه انقلاب اسلامی نشان می‌دهد این انقلاب داری ظرفیت‌های نظری و عملی گسترده برای همگرایی است و می‌تواند زمینه‌های تحقق آن را در این کشورها فراهم آورد. بنابراین باید در ابتدا آن‌ها را شناخت و سپس گام‌های موثری را جهت تحقق آن برداشت. انقلاب ایران در سطح فرهنگی باعث ایجاد بیداری و احساس هویت و اعتماد به نفس در میان ملت ایران شد و بخش قابل توجهی از باورهای گذشته را که باعث سستی، خمودگی و انقیاد از نظام سلطه می‌شد تغییر داد. در این سطح همفکری، همدلی، هم رای و شناخت بین‌الذہانی از هدف و مسیر انقلاب و آینده کشور ایجاد شد. انقلاب اسلامی در سطح سیاسی نیز باعث ایجاد تغییر در نگرش مردم نسبت به مشروعیت نظام سیاسی حاکم شد و سرانجام با سقوط رژیم شاه، ملت ایران با وحدت سیاسی خود، نظام مردم‌سالاری دینی را تاسیس نمودند. در سطح اجتماعی و اقتصادی نیز در پرتو آموزه‌های انقلاب، استقلال اقتصادی، رهایی از وابستگی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی تاکید شد و در مجموع ملت ایران در پرتو آموزه‌های انقلاب اسلامی، توانست به دستاوردهای بزرگی نائل آیند. آنچه مسلم است، آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران دارای ماهیتی فرامرزی و بین‌المللی است و از ابتدای، پیروزی انقلاب همواره این مسئله مطرح بوده است که چگونه می‌توان ابعاد فکری، فرهنگی و سیاسی انقلاب اسلامی ایران را برای ملل تحت ستم به درستی بیان کرد و از همه مهمتر چگونه می‌توان در پرتو آموزه‌های انقلاب وحدت و همگرایی را در میان مسلمانان جهان ایجاد نمود و ملل مسلمان را از شرایط اسفناک موجود نجات داد.

برای بررسی همگرایی کشورهای اسلامی لازم است نخست، چارجوب نظری مناسب که بتواند این موضوع را پوشش دهد انتخاب شود. از این رو توجه به نظریه‌های همگرایی و تطبیق آن بر موضوع مورد نظر یعنی همگرایی کشورهای اسلامی با توجه به ظرفیت‌های انقلاب اسلامی از یک سو، و بیان چگونگی انتقال این ظرفیت‌ها از سوی دیگر است، بر این اساس آن چه در این مقاله مورد تاکید قرار گرفته است، تلفیق بین نظریه‌های همگرایی و نظریه پخش می‌باشد. نظریه همگرایی کارکردی با استفاده از مفهوم تسری به دنبال این است که همکاری کشورها بر محور منافع مشترک را، به عنوان یک روش مسالمت آمیز برای حل و فصل سایر چالش‌ها و دغدغه‌های مشترک کشورها معرفی نماید.

از این رو انقلاب اسلامی را اگر به عنوان یک تجربه موفق با ظرفیت‌های مشخص در میان کشورهای اسلامی در نظر بگیریم، تمایل به پیروی از نمادها و شعارها و نوآوری‌ها و نهادها و... آن در بین سایر ملت‌های مسلمان و بعضاً دولت‌ها پیدا می‌شود. این موضوع در نظریه همگرایی نوکارکردی با عنوان منطق «تسری» و در نظریه پخش با عنوان «اشاعه» نام برده می‌شود. با این توضیح که اولی بیشتر در شیوه انتقال مباحث سیاسی و روابط بین‌الملل کاربرد دارد و دومی یعنی نظریه پخش، بیشتر در انتقال ارزش‌ها و نوآوری‌های فرهنگی است.

هدف این تحقیق این است تا ظرفیت‌های انقلاب اسلامی ایران در سطوح فرهنگی، سیاسی - اجتماعی جهت ایجاد همگرایی در میان کشورهای اسلامی را مورد بررسی قرار دهد. به عبارت دیگر بیان شود که چگونه آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران و استمرار آن باعث ایجاد تغییر، بیداری و همگرایی در ملت ایران شد و ظرفیت‌های آن برای ایجاد تغییر در باورهای ملل مسلمان و یا دولتها جهت رسیدن به همگرایی کدام است؟

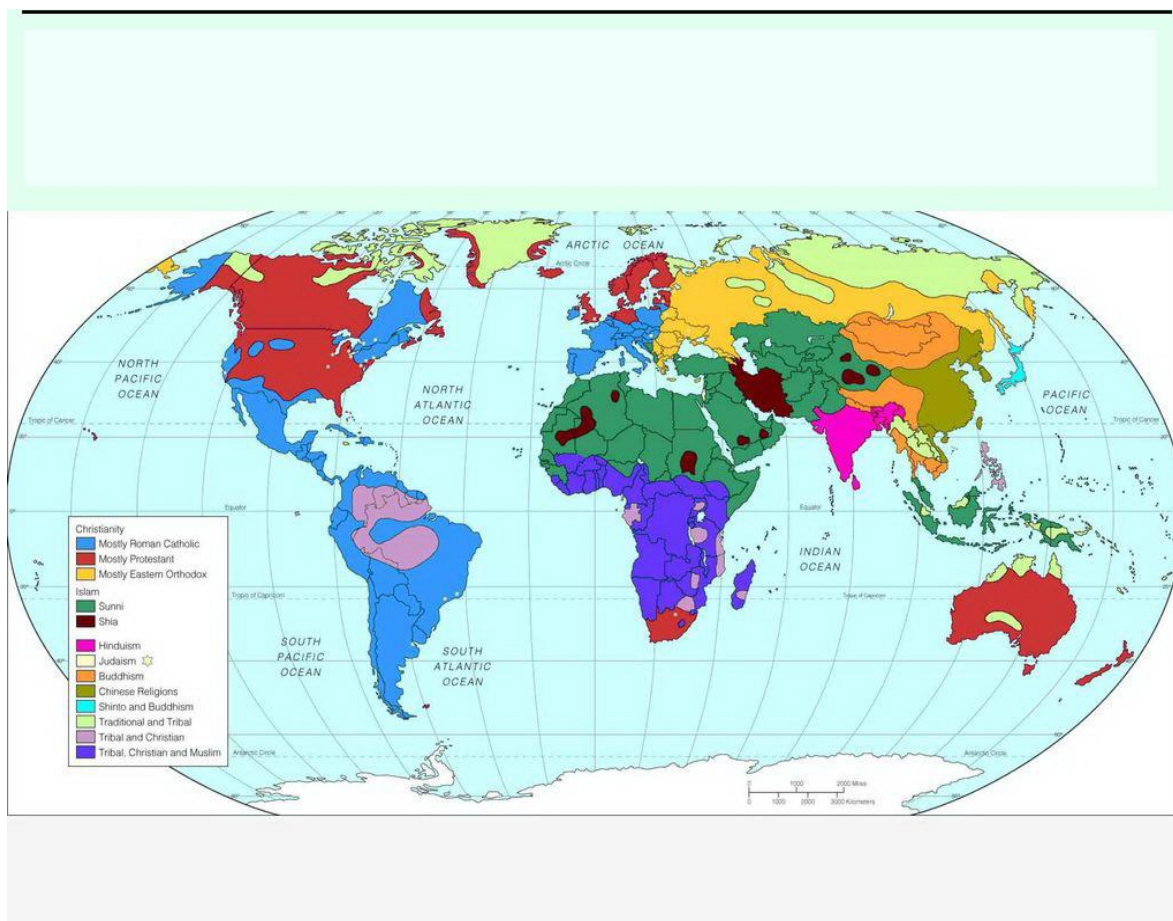
همگرایی

این مفهوم در حقیقت اشاره به وضعیتی می‌کند که کشورها برای دستیابی به اشتراک نظر و وحدت رویه در تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای و جهانی که مورد توجه آنهاست از برخی اقتدار و حاکمیت ملی خود دست بردارند و. انتظارات و وفاداری‌ها و همچنین منافع خود را به سمت نهادی دیگر واگذار نمایند (Hass:1958: 16) البته بین محققان سیاسی و روابط بین‌الملل درخصوص واژه و مفهوم همگرایی اختلاف وجود دارد، برخی از آن به عنوان (فرایند) و برخی دیگر از آن تعبیر به (وضعیت) می‌کنند ولی درعین اختلاف نظر در مفهوم آن، دراین که باید بازیگران برای دستیابی به اشتراک نظر و همگرایی از یک الگو و یا یک سازمان و یا نهاد مشترک تبعیت نمایند شکی ندارند. از این براساس فرایندی نگریستن به موضوع همگرایی باید گفت، همگرایی باعث تداوم نظام بین‌الملل و هماهنگی بین واحدهای سیاسی می‌شود که در آن بازیگران می‌توانند منافع خود را با دیگران هماهنگ ساخته و بعضا با دیگران مصالحه نمایند و از تحصیل عواید همکاری با دیگران بهره مند شوند (puchala.1972:277). این موضوع البته در مفاهیم دینی از جمله در قرآن کریم در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران مورد تاکید قرار گرفته است. خداوند می‌فرماید: «وجملگی به دین خدا چنگ زبید و متفرق نشوید».

کشورهای اسلامی

مفهوم کشورهای اسلامی در ادبیات سیاسی و گفتگوهای رایج بعضا با اصطلاح «جهان اسلام» مترادف می‌شود و به جای هم بکار می‌رود، گرچه می‌توان گفت واژه جهان اسلام کاربرد عمومی‌تر و در عین حال رویکرد مبتنی بر اعتقاد به وجود دین اسلام در آن لحاظ شده است که بیشتر مرزهای عقیدتی مورد توجه است. این اصطلاح بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در مقابل تقسیم‌بندی رایج جهان اول و دوم و سوم که از سوی کشورهای استعمارگر مطرح می‌شده است به کار می‌رود اما اصطلاح کشورهای اسلامی کاربرد رسمی و کاربردی‌تری پیدا نموده است. به هر حال جدای از تعابیر مختلفی که از این اصطلاح می‌شود می‌توان گفت کشورهای اسلامی شامل کشورهایی هستند که عضو سازمان همکاری‌های اسلامی هستند که در حال حاضر در حدود ۵۷ کشور می‌باشند. در نقشه زیر مجموعه ادیان بزرگ جهان در روی نقشه جهان مشخص شده است که مجموعه کشورهای اسلامی که برخوردار از دین اسلام است به رنگ سبز و قهوه‌ای تیره می‌باشد. رنگ سبز نشان‌دهنده گرایش اهل سنت و قهوه‌ای تیره نشان‌دهنده مذهب شیعه می‌باشد.

علاوه بر این نشان‌دهنده موقعیت حساس و مهم کشورهای اسلامی هم می‌باشد که اکثرا در مجاورت دریاها و آب‌های بین‌المللی و تنگه‌ها مهم جهان قرار گرفته‌اند و این مساله در حمل و نقل و دادوستدهای بین ملت‌ها و همگرایی آن‌ها بسیار تاثیرگذار خواهد بود.



Internet: [www. http://okhowah.com/fa/10090](http://okhowah.com/fa/10090)

مبانی نظری پژوهش

بررسی نظریه پخش و نوکارکرد گرایی

نظریه پخش در سال ۱۹۵۳ توسط هاگراسترنند^۱ جغرافی دان سوئدی ابداع شد. گرچه این نظریه درخصوص چگونگی انتقال نوآوری های کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما بعدا درخصوص انتقال هر پدیده از جمله پدیده ها و نوآوریهای فرهنگی و سرایت آن‌ها از جایی به جای دیگر مورد استفاده قرارگرفت. (Shakou'e. 1985: 211-212). در این نظریه شیوه انتقال براساس برخی مفاهیم اصلی تنظیم شده است که شامل مبداء پخش، مقصد پخش، موضوع پخش، مسیر پخش، ابزار پخش، و زمان و مکان پخش می‌باشد. در عصر حاضر به دلیل ماهیت ارتباطات و نقش اطلاعات و ابداعات در قالب‌های مختلف فرهنگی مثل ماهواره و اینترنت و...، سرعت شیوع موضوعات و پدیده ها بسیار شتاب بیشتری دارد که این موضوع اهمیت آن را از گذشته بیشتر برجسته می‌کند. از این رو این نظریه توانایی دارد تا به این سوال جواب دهد که یک پدیده به چه دلیل و چگونه از یک منطقه به منطقه دیگری منتقل می‌شود. چرایی و چگونگی و شرایط و علل انتقال و عدم آن، از جمله دستاوردهای نظری و عملی نظام های سیاسی و ملت‌ها که جنبه ابتکاری و نوآوری دارد، می‌تواند شیوه انتقال آن از مکانی به مکان دیگر توسط این نظریه مورد بررسی قرار گیرد. در بحث چگونگی بازتاب انقلاب اسلامی در سایر کشورهای اسلامی هم این

¹. Hager strand

نظریه قدرت تبیین‌کنندگی خوبی دارد. از طرفی نظریه نو کارکردگرایی که یکی دیگر نظریات روابط بین‌الملل است، همگرایی را بعنوان یک فرایند^۱ و نه وضعیت و محصول پایانی^۲ می‌بیند. نو کارگردگرایان معتقدند که همگرایی بصورت اتوماتیک‌وار حاصل نمی‌شود بلکه نیازمند روندهای چانه زنی دیپلماتیک است. جوزف نای با الهام گرفتن از آثار هاس و میترا نی، تلاش نموده است تا نظریه‌های نوکارکرد گرایانه را اصلاح نماید (Pfaltzgraff 1995: 85).

Dougherty and (Dougherty and). این رویکرد سعی می‌کند مفهوم همگرایی را از حالت «اروپا محوری» خارج سازد و به تجارب غیرغربی معطوف شود. از طرف دیگر در این مدل، مفهوم «ظرفیت همگرایی»^۳ یعنی «شرایط همگرایی» از جایگاه محوری برخوردار می‌شود (Dougherty Pfaltzgraff 1995: 681). یکی از مهمترین مفروض های کارکرد گرایان و نوکارکردگرایان در موضوع همگرایی، مفهوم (تسری)^۴ است یعنی این که همگرایی می‌تواند از یک نقطه شروع شود و به سایر نقاط دیگر سرایت و گسترش پیدا نماید. از جمله، همکاری کشورها در حوزه فنی، زمینه همکاری مشترک در زمینه‌های دیگر را فراهم می‌کند. هاس، مفهوم تسری را از نظریه عمومی «سیستم‌ها» گرفته است و در ارتباط با مباحث خود در زمینه نوکارکردگرایی به «تسری افقی - عمودی» یاد می‌کند. یعنی این که نتیجه همگرایی در یک زمینه اگر موفق باشد، نخبگان و دولت‌ها و ملت‌ها به ادامه همکاری و افزایش همان مسیر می‌پردازند، و اگر غیرقابل انتظار باشد، از ادامه مسیر باز داشته می‌شوند. به عبارت دیگر همگرایی درست حالت «دومینو» را دارد که اگر از نقطه‌ای شروع شود به سایر حوزه‌ها هم اجبارا منتهی می‌شود. لذا در صورتی که کشورها از همکاری‌های مشترک را از یک جا آغاز نمایند، می‌توان امیدوار بود که این همکاری به سایر حوزه‌های مورد اختلاف هم کشیده شود. این موضوع در همگرایی کشورهای اسلامی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. از این رو این کشورها می‌توانند با توجه به اشتراکات خود، نسبت به رفع مشکلات و چالش‌های پیش‌رو همکاری‌های متقابل را آغاز تا به همگرایی در سایر حوزه‌ها هم برسند. درست این همان چیزی است که در «نظریه پخش» با پذیرش این مساله، درصدد امکان تحقق عملی آن هستیم. مفهوم «تسری کارکردی» در نظریه همگرایی در حقیقت همان مفهومی است که نظریه پخش با عنوان «اشاعه» به دنبال تبیین آن است، با این توضیح که نظریه همگرایی کارکردی با استفاده از مفهوم تسری به دنبال این است که همکاری کشورها بر محور منافع مشترک را، به عنوان یک روش مسالمت‌آمیز برای حل و فصل سایر چالش‌ها و دغدغه‌های مشترک کشورها معرفی نماید، از این رو طبق نظریه کارکردی ازدیدگاه اندیشمندانی چون هاس، میترا نی، نای، در صورتی که نتیجه همگرایی در یک حوزه موفقیت‌آمیز باشد، انگیزه همکاری به سایر حوزه‌ها هم سرایت می‌کند. این مساله یعنی، انگیزه تکرار یک تجربه موفق از یک موضوع به موضوعات دیگر، دقیقا در نظریه پخش هم انجام می‌شود. مفهوم «اشاعه و پخش» در حقیقت براین منطق استوار است که یک ایده و ارزش و یا نوآوری و یا تجربه موفق، ابتدا از یک مکان مثل شهر یا کشور آغاز و تمایل به همانندی و تکرار آن در سایر جاها ادامه پیدا می‌کند. از این رو انقلاب اسلامی را اگر به عنوان یک تجربه موفق با ظرفیت‌های مشخص گفته شده در میان کشورهای اسلامی در نظر بگیریم، تمایل به پیروی از نمادها و شعارها و نوآوری‌ها و نهادها و... آن در بین سایر

¹ . Process

² . State end product

³ .integrative potential

⁴ .ascriptive status patterns

ملت‌های مسلمان و بعضاً دولت‌ها پیدا می‌شود. این موضوع در نظریه همگرایی نوکارکردی با عنوان منطق «تسری» و در نظریه پخش با عنوان «اشاعه» نام برده می‌شود. با این توضیح که اولی بیشتر در شیوه انتقال مباحث سیاسی و روابط بین‌الملل کاربرد دارد و دومی یعنی نظریه پخش، بیشتر در انتقال ارزش‌ها و نوآوری‌های فرهنگی. از این رو چون موضوع بحث بررسی ظرفیت‌های انقلاب اسلامی در جهت ایجاد همگرایی کشورهای اسلامی است، و موضوعی مشترک فرهنگی و سیاسی است، به صورت تلفیقی از هر دو مفهوم مورد استفاده قرار گرفته است.

ظرفیت‌های سیاسی انقلاب اسلامی در همگرایی کشورهای اسلامی

۱. انقلاب اسلامی و ظرفیت استبداد ستیزی و استکبار ستیزی

حکومت استبدادی، حکومتی است که هیچ‌گونه ضابطه، قانون و قراردادی مکتوب یا نانوشته را بر نمی‌تابد. به تعبیر دیگر نظام سیاسی فاقد عقلانیت است شاید بتوان گفت که، حکومت استبدادی حتی با نظام‌های دیکتاتوری، حکومت‌های مطلقه و نظام‌های توتالیتر تفاوت بنیادین دارد. به گفته‌ی منتسکیو، استبداد، حاکمیت نفع شخصی (حاکم مستبد) است، و به بیان دقیق و عمیق مارکس، استبداد، انسان‌زدایی از انسان است (Ghazi . 200:111,131).

Morad

این واقعیت که بیشتر کشورهای عربی و اسلامی، به درآمدهای نفتی وابسته هستند تا اینکه از شهروندانشان مالیات بگیرند، یکی دیگر از دلایل نبود حکومت دموکراتیک در این کشورها به حساب می‌آید. به علاوه این که، برخی از نظریه پردازان، بر نظریه‌های متنوع دیگری مبتنی بر جامعه و سیاست و نظام سیاسی در این گونه کشورها که دولت‌های اقتدارگرا را بازتولید می‌کنند اشاره می‌کنند. مانند: نظریه «شیوه تولید آسیایی مارکس» که شیوه‌های تولید فاقد تضاد درون‌زا و پویا راعلت شکل‌گیری دولت‌های استبدادی معرفی می‌کند. همچنین «ویتفوجل» (198 august : wittfogel)^۱ که بر نظریه مساله کمبود آب و استبداد شرقی اشاره می‌کند. برخی دیگر از نظریه پردازان چون ماکس وبر، در ارتباط با موضوع استبداد دولت‌ها در این کشورها به مساله پدرسالاری در منابع اقتصادی اشاره می‌کنند که به نظام‌هایی (پاتریمونیا) ^۲ معروف هستند.^۳

برخی دیگر از نظریه پردازان، چون الموند ووربا به فرهنگ سیاسی این جوامع پرداخته‌اند. آقای همایون کاتوزیان در نظریه «استبداد ایرانی» به تفاوت ماهوی ساختار و کارکرد دولت در اروپا و ایران اشاره می‌کند که در جای خود باید به آن توجه شود (Katouzian 1998).

در سال‌های اخیر در کشورهایمانند الجزایر، کویت، لبنان، مراکش، تونس و یمن انتخابات برگزار شد اما به نظر می‌رسد که تمرین دموکراسی در سراسر جهان عرب، نتیجه تقریباً یکسانی داشته است؛ به صورتی که حکومت حاکمان قدرتمندی که از مواضع خودشان به صورت همه جانبه دفاع می‌کنند تداوم داشته است. از دید هادسون، یکی از عوامل برجسته‌ی آسیب‌پذیری ثبات در کشورهای عربی، بی‌بهرگی نظام‌ها از مشروعیت است (Saifzadeh & Rowshanl. 2003: 101-103).

^۱ - Karl august wittfogel

2. Patrimonialism

3. Weber, Economy and society, Vol. 2.

طبیعی است که تجربه انقلاب اسلامی در مبارزه با استبداد و ایجاد نظام مردمی و بکارگیری از ظرفیت های فکری نخبگان متناسب با مصالح و منافع اسلامی و ملی، می تواند ظرفیت مناسبی برای کمک به همگرایی کشورهای اسلامی باشد. مروری بر شعارهای مردم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از جمله مواردی است که استبدادستیزی و استکبار ستیزی رابه عنوان هدف مهم انقلاب اسلامی نشان می دهد. در این میان، شعارهای مربوط به استقلال سیاسی مثل (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی) و یا (زیر بار ستم نمی کنیم زندگی جان فدا می کنیم در ره آزادی / سرنگون می کنیم سلطنت پهلوی / مرگ بر شاه) و شعارهای مربوط به سلطه بیگانگان مثل، مرگ بر امریکا، در راس این شعارها است (Saifzadeh & Rowshandel 2003:103-107).

۲. انقلاب اسلامی و ظرفیت تلفیق دین و سیاست

موضوع جدایی دین از سیاست موضوعی است که به لحاظ تاریخی ابتدا از غرب شروع شد و بعد از قرون وسطی و دوره رنسانس و طرح مفهوم «سکولاریسم» و عرفی گرایی مطرح شد. چون در آن زمان منازعه بین پادشاه نماینده سیاست، و کلیسا نماینده دین در گرفت، نهایتا بحث جدایی آن دو از یکدیگر و به نفع دولت (سیاست) این مساله خاتمه پیدا کرد (Behdarvand 2002:176).

بزرگ ترین ضربه هایی که استعمار از ممالک اسلامی دیدند از سوی تعالیم دینی و علمای دین رهبری می شد، لذا فرهنگی که همواره از سوی استعمارگران برای ممالک اسلامی نسخه و ترویج می شد، فرهنگ جدایی دین از سیاست بود (Soroush, 2008: 120-126).

یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، تاسیس نظام اسلامی مبتنی بر دین است. تا قبل از انقلاب، این تصور وجود داشت که، امکان تلفیق دین و سیاست و ایجاد نظام سیاسی مبتنی بر آن وجود ندارد. این تصور از این جا نشات می گرفت که دین اختصاص فقط به حوزه فردی زندگی انسان ها دارد. پیروزی انقلاب اسلامی مبتنی بر نظام سیاسی دینی در اوج ترویج این اندیشه اتفاق افتاد. از این رو شاید بتوان گفت نه تنها در جهان، بلکه در میان کشورهای اسلامی هم یک استثناء به شمار آید و می تواند تجربه موفق و موثری برای کشورهای اسلامی دیگر باشد.

۳. انقلاب اسلامی و ظرفیت استقلال خواهی

در کاربرد علوم سیاسی، استقلال را به جدا بودن حاکمیت یک کشور از دیگر کشورها و از سلطه و سیادت خارجی تعریف کرده اند. برخی استقلال را همان آزادی اراده ای ملی برای اداره ای امور داخلی و خارجی خود از دست دیگران دانسته اند که از خلال سازمان سیاسی دولت پدیدار می شود (Aghabakhshi, 1997: 277).

انقلاب اسلامی ایران انقلابی است که خارج از مدار دو اردوگاه بزرگ، یعنی شرق و غرب، در وضعیت دو قطبی خود را به جهانیان نشان داد. وجه بارز و مشخصه اصلی که توانست این انقلاب را از سایر نظام های دیگر که در دوره معاصر به وقوع پیوسته بود متمایز نماید، استقلال و عدم وابستگی آن به بلوک های قدرت است. این ویژگی که با عنوان (نه شرقی نه غربی) مطرح شد

از نظر امام خمینی، استقلال دارای دو بعد سلبی و ایجابی است. استقلال سلبی همانا استعمارزدایی است که زمینه ساز تحقق حکومت نه شرقی، نه غربی محسوب می شود (Imam Khomeini, (b date): 56). در بحث استقلال

ایجابی، امام خمینی هدف انقلاب اسلامی را تأمین استقلال مملکت در ابعاد سیاسی نظامی، فرهنگی، اقتصادی و فکری می‌داند و (سپردن کار به کاردانان وطن‌خواه امین) (Imam Khomeini, 1979: 468).

استقلال در زمینه‌های مختلف یکی از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی همواره بوده و هست. در مفهوم استقلال انقلاب اسلامی بر استقلال در حوزه سیاست‌گذاری در سیاست خارجی باهدف کاهش وابستگی در ابعاد مختلف تاکید فراوانی شده است. در عرصه استقلال اقتصادی می‌توان به مقایسه شرایط قبل و بعد انقلاب اسلامی اشاره کرد و این که با توجه به وابستگی اقتصاد کشور به نفت و کاهش تولید و فروش و محرومیت از بازارهای جهانی برای فروش و همچنین تحریم‌های بین‌المللی از یک سو و افزایش دو برابری جمعیت کشور، در برخی از شاخص‌های اقتصادی مثل، افزایش صادرات غیر نفتی و افزایش نرخ اقتصادی و تولیدات کشاورزی و خدمات رسانی و آبادانی و باسازی کشور بعد از جنگ ما با شرایط مطلوبی روبرو هستیم. در بعد فرهنگی هم که گفتمان اصلی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود بعد از انقلاب توفیقات خوبی انجام شده است که استقلال فرهنگی انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد. توجه و تاکید بر فرهنگ اسلامی و آموزه‌های آن در جامعه مثل نماز جمعه و امر به معروف و نهی از منکر و اعتکاف و حجاب و پوشش در برابر تهاجم فرهنگی و توجه به علوم و دانش بومی و تولیدات متناسب در مدارس از طریق تغییر محتوای متون آموزشی و همچنین اهتمام به تحقیق و پژوهش و ایجاد فضای نقد و نظر و کسب رتبه‌های مختلف در المپیادهای علمی و آموزشی در زمینه‌های مختلف، برخی از این دستاوردها می‌باشد.

مجموعه این دستاوردها که برای نشان دادن استقلال انقلاب اسلامی گفته شد می‌تواند به عنوان ظرفیت مهم می‌تواند در همگرایی کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

۴. انقلاب اسلامی و ظرفیت حمایت از جنبش‌های اسلامی

دفاع از ملل محروم و تحت ستم و دفاع از جنبش‌های آزادیبخش، یکی از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی است که به عنوان یکی از جهت‌گیری‌های عمده سیاست خارجی در انقلاب اسلامی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. برای پیگیری این موضوع در قانون اساسی به برخی از اصول قانون اساسی مانند اصول ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۵۴ می‌توان اشاره کرد. بنابراین انقلاب اسلامی اصولاً نمی‌تواند نسبت به مسلمانان و محرومان و مستضعفان در هر جایی از جهان که باشند بی‌تفاوت باشد. در مرحله عمل هم این موضوع مورد توجه همواره قرار گرفته است (Derakhsheh and kamali 2016: 29).

امام خمینی (ره) سیاست انقلاب اسلامی را در این خصوص این چنین اعلام می‌دارند: «جمهوری اسلامی ایران مایل است براساس حفظ وحدت و حمایت از منافع کشورهای و ملت‌های اسلامی، آنان را در مشکلات یاری نماید» (Dehghani Firooz, 2016: 135).

تأثیر انقلاب اسلامی عمدتاً بر جنبش‌های اسلامی در کشورهای چون افغانستان، عراق، لبنان، پاکستان، بحرین، عربستان صورت می‌گرفت. البته این حمایت بیشتر معنوی بود به نحوی که آنها تحت تأثیر شعارهای انقلاب اسلامی قرار گرفتند و آنها را در کشورهای خود بازتولید می‌کردند. به عبارت دیگر کمکی که انقلاب اسلامی به این کشورها نمود در اختیار قرار دادن شیوه مبارزه بود. در خصوص الهام‌گیری جنبش‌ها از الگوی مبارزه، سخنگوی

(جهاد اسلامی) در دیدار با امام خمینی (ره) می‌گوید: «انتفاضه، بارقه‌ای از نور و بازتابی از پیروزیهای بزرگ انقلاب شماس؛ انقلابی که بزرگترین تحول را در عصر ما به وجود آورد» (Karahroudi 2001: 199).

انقلاب اسلامی ایران ارزش‌های فرهنگی نوینی را در مبارزه سیاسی جنبش‌های اسلامی مطرح کرد. یکی از این ارزشها، گرایش به جهاد است. شعارهای انقلاب اسلامی به شدت در کشورهای اسلامی و جنبش‌های متأثر از ایدئولوژی اسلامی تاثیر شگرفی رابرجای گذاشت. و توانست گفتمان انقلاب اسلامی را در پیرامون خود تقویت نماید. در سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹ در خیابان‌های کبک تاون آفریقای جنوبی ندای الله اکبر، بسیار شنیده شد. این، یادآور و مؤید این کلام رهبری انقلاب است که فریاد الله اکبر مردم الجزایر بر پشت بام‌ها درس گرفته از ملت انقلابی ایران است (Karahroudi, 2001:299).

در برخی از کشورها ارزش‌های انقلاب اسلامی سرایت و اشاعه بیشتری داشت. استفاده از حجاب اسلامی و چادر در ترکیه و لبنان نسبت به سایر کشورها بیشتر بود، بعلاوه گرایش به نماز و مقابله با فساد و فحشاء با شدت بیشتری دنبال شد.

۵. انقلاب اسلامی و مقابله با نظام سلطه

انقلاب اسلامی یکی از سیاست‌های اصولی خود را عدم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری اعلام کرده است. این اصل، یعنی ضرورت سلطه‌ستیزی، برگرفته از قاعده مهم در فقه سیاسی (نفی سبیل) است. که خداوند در قرآن هرگونه سلطه بیگانگان بر امور مسلمانان را جایز ندانسته است.^۱

سیاست سلطه‌ستیزی انقلاب اسلامی، دستاوردهای غیرقابل انکاری را تاکنون برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته است که مهمترین رهاورد آن (استقلال) سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بوده است. مروری بر تاریخ انقلاب اسلامی این نکته را اثبات می‌کند که انقلاب اسلامی با توجه به سیاست سلطه‌ستیزی خود جلو مداخله و نفوذ سیاست‌های کشورهای سلطه‌گر را گرفته است. بدیهی است این تجربه اگر در مسیر همگرایی کشورهای اسلامی قرار گیرد پیامدهای امیدبخشی را می‌تواند به دنبال داشته باشد که مهمترین آن، استقلال در تصمیم‌گیری و جلوگیری از نفوذ ابرقدرت‌ها در این کشورها است.

۶. انقلاب اسلامی و ظرفیت وحدت‌گرایی

مساله وحدت و همبستگی را در دو بعد در این قسمت از پژوهش بتوان، بررسی و دنبال نمود: نخست، در بعد داخلی انقلاب اسلامی که وحدت و همبستگی به نوعی بحث «وفاق اجتماعی» رابه دنبال خواهد داشت. و ثانياً: در بعد خارجی به وحدت و همگرایی کشورهای اسلامی اشاره می‌کند که نوعاً از آن به «وحدت اسلامی» و یا «وحدت کشورهای اسلامی» و یا «وحدت سیاسی» اشاره می‌شود.

انقلاب اسلامی توانست با تاکید بر ارزش‌های اسلامی و اعتقادات مذهبی قوانین و مقرراتی را وضع کند که کلیه شئون جامعه را در بر می‌گیرد. از طرف دیگر این انقلاب هم سبب تقویت ارزش‌های اسلامی و هم سبب تضعیف ارزش‌های غربی در جامعه شد. امام خمینی وحدت را علت «محدثه» و «مبقیه»ی نظام اسلامی دانسته، اسلام و

^۱. «لن يجعل الله للكافرين على المسلمين سبيلاً؛ خداوند هیچگاه سلطه کافران را بر مومنان قرار نداده است». (نساء: ۴): ۱۴۱

وحدت را ضامن بقای مسلمانان دانسته‌اند: «اگر مسلمین آن عزت و عظمتی که در صدر اسلام داشتند، بازیابند، به اسلام و وحدت کلمه روی آورند، آن اتفاق بر محور اسلام بود که آن قدرت و شجاعت مافوق الطبیعه را به وجود آورد» (Abolfazly. 2005: 174)

امام خمینی همواره بروح‌دست گروه‌ها و جریان‌های داخلی انقلاب تاکید زیادی داشتند و آن‌ها را از اختلاف و تفرقه برحذر می‌داشتند. از این رو حفظ انقلاب اسلامی از واجبات شمرده می‌شود. مقابله باتوطئه‌های داخلی و جریانات سیاسی در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و بروز گفتمان‌های مختلفی که هرکدام می‌توانست همانند جریان مشروطه، باعث دسته‌بندی‌های متعارض جریانات سیاسی و در نهایت فروپاشی آن شود، از تأثیرات همبستگی و وفاق اجتماعی است که باید به آن توجه شود.

۷. انقلاب اسلامی و ظرفیت نظام‌سازی (مردمسالاری دینی)

از دیدگاه امام خمینی حکومت اسلامی در قالب مردم‌سالاری دینی نه ویژگی‌های حکومت‌های استبدادی و مطلقه را دارد و نه ویژگی‌های حکومت‌های مشروطه رادارد. بلکه از ویژگی‌های منحصر بفردی برخوردار است.

«این حکومت، حکومتی سلطنتی فردی، استبدادی و مطلقه نیست که رئیس دولت مستبد و خود رای باشد، مال و جان مردم را به بازی بگیرد و در آن به دلخواه دخل و تصرف کند، هرکس را اراده اش گرفت، بکشد، و هرکس را خواست، انعام کند (Imam Khomeini. 1998:56) در نظام‌های دموکراسی و مشروطه سلطنتی آن چه به عنوان قانون وضع می‌شود، قوانین نوشته شده بشری است و همان طوری که قبلاً گفته شد نمی‌تواند تضمینی برای مصلحت عامه داشته باشد و مبتنی برمنافع شخصی و گروهی است و می‌تواند منجر به فساد شود. درحالی که قانونی که در حکومت دینی اجرا می‌شود، مستند به قرآن و آموزه‌ها اسلامی و از طرف خدا است.

و از طرف دیگر حکومت دینی با نظام‌های دموکراسی و جمهوری و مشروطه سلطنتی از نظر هدف هم با یکدیگر تفاوت دارند، چرا که هدف از اجرای قانون در دموکراسی و جمهوری و نظام‌های مشروطه سلطنتی فقط سعادت و خوشبختی و تامین نیازهای انسان‌ها در دنیا است، درحالی که هدف از قانون گذاری در حکومت دینی سعادت انسان‌ها و تامین نیازهای آنان در دنیا و آخرت است.

همچنین تنها منبع مشروعیت حکومت دینی خداوند می‌باشد. و این مشروعیت از آن طریق به پیامبر (ص) می‌رسد سپس به امامان معصوم (علیهم السلام) که به صورت نصب خاص و در زمان غیبت امام زمان (عج) به فقیه جام شرایط (ولی فقیه) به صورت نصب عام تعلق پیدا می‌کند (Ebrahimzadeh Amoli. 2008: 15).

مدل جمهوری اسلامی از یک شکل و محتوا تشکیل شده است، (جمهوری) شکل حکومت که یکی از اشکال مطرح نظام‌های سیاسی رایج است که با عنوان دیگری تحت عنوان دموکراسی و مردم‌سالاری گفته می‌شود که از طریق مراجعه به آرای عمومی اداره می‌شود، (و اسلامی)، محتوای حکومت که نشان دهنده چارچوب آزادی و اختیار حاکمان و شهروندان در تصمیم‌گیری و قانون گذاری است.

ظرفیت‌های فرهنگی - اجتماعی انقلاب اسلامی در همگرایی کشورهای اسلامی

در گذشته جهان، شاهد انقلاب‌های بزرگی چون، انقلاب روسیه ۱۹۱۷، انقلاب فرانسه ۱۷۸۹، انقلاب الجزایر

۱۹۵۴ و غیره بوده است، لیکن انقلاب اسلامی ایران به لحاظ ویژگی های خاص و منحصر به فردش، قابل قیاس با سایر انقلاب های جهان نیست. این انقلاب نشان داد که در داخل جغرافیای کشور ایران محدود و خلاصه نمی شود اهداف و آرمان های آن فراملی و جهان شمول است.

۱. انقلاب اسلامی و ظرفیت ارائه نظام معرفتی

در بحث معرفت شناسی انقلاب اسلامی لازم است ایده ها و نظریات رهبران انقلاب از جمله امام خمینی و شعارهای انقلاب اسلامی و قانون اساسی، مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد. معرفت شناسی انقلاب اسلامی، مبتنی بر هستی شناسی و انسان شناسی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

در این خصوص اولین نکته ای که می توان اشاره کرد و ماهیت انقلاب اسلامی را از سایر انقلاب ها متمایز می سازد، (الهی بودن) و (دینی بودن) است. این درحالی است که اکثر انقلاب های دیگر جنبه مادی دارند. مهمترین نکته در خصوص هستی شناسی انقلاب اسلامی این است که این انقلاب اهداف و آرمان های آن منطبق بر قرآن و آیات و روایات است (Homayun, 2011).

هستی شناسی انقلاب اسلامی مبتنی بر (ولایت الهی پایه) گذاری شده است که تحت رهبری فردی به عنوان جانشین امام زمان عج اداره می شود و به عبارتی ادامه حرکت و مسیر امامت است. لذا اندیشمندانی که در حوزه انقلاب اسلامی بحث کرده اند خواسته اند تا انقلاب اسلامی را بر اساس نظریات منطبق با این مساله تطبیق دهند. که به برخی از این نظریات شامل نظریه حکمت متعالیه که برگرفته از نظریه ملاصدرا (Afrough, 2006: 85)، نظریه فقاقت (ولایت فقیه)، نظریه فطرت (Motahhari, 1998:65) است. همه نظریات به نوعی هستی شناسی انقلاب اسلامی را نشان می دهند لذا نمی توان گفت این نظریات با یکدیگر تعارضی داشته باشند بلکه مکمل هم هستند.

بزرگ ترین ویژگی این انقلاب در ساحت نظر و تفکر برخاسته از اعتقاد به ارتباط و هماهنگی متعادل میان جهان ماوراءالطبیعه و طبیعت و در نتیجه اعتقاد به هماهنگی سازنده میان وحی الهی و عقل انسانی است (Bavand, 2010: 46).

۲. انقلاب اسلامی و ظرفیت هویت بخشی

انقلاب اسلامی به ملت های مسلمان که در بند مدل ها و الگوهای غرب و شرق بودند این حقیقت را فهماند که تنها بازگشت به دین و ارزش های اسلامی است که می تواند راهگشای مشکلات و تأمین کننده مصالح آن ها باشد. چرا که دین مبین اسلام برای تمامی حوزه های حکومت اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی طرح و برنامه ارائه کرده است. از طرفی دیگر انقلاب اسلامی ادغام دین در سیاست و کارآمدی حکومت اسلامی را به تصویر کشید و نشان داد که دین نیز می تواند به بهترین نحو مدیریت جامعه را در اختیار بگیرد (Mojarrad, 2008: 86).

انقلاب اسلامی ایران انقلابی متمایز از سایر انقلاب هایی بود که در اواخر قرن بیستم به وقوع پیوست و اهداف و آرمان های خود را قبل از هر چیز بر مسائل فرهنگی قرار داد به طوری که از آن به «انقلاب فرهنگی» تعبیر شد، از این رو، موضوع هویت دینی و اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار شد. بنابراین انقلاب اسلامی نه تنها تاکید بر احیای هویت اسلامی در ایران بلکه، صدور دستاوردهای آن را در سراسر جهان خواستار شد.

بازگشت به اسلام و هویت اسلامی مهمترین راهکار از سوی امام خمینی برای فایق شدن بر مشکلات و عقب ماندگی کشورهای اسلامی همواره پیشنهاد شده است و در هر جایی که هویت اسلامی در خطر قرار گرفته است به شدت از آن دفاع کرده است.

انقلاب اسلامی با دعوت ملت‌های مسلمان مبنی بر بازگشت آن‌ها به ارزش‌های اصیل اسلامی، اسلام را یگانه عامل وحدت آفرین میان ملت‌ها معرفی نمود. در این راستا انقلاب اسلامی با تبیین عوامل پیروزی و موفقیت خود در شکست استبداد و استکبار جهانی به بیان کارآمدی اسلام و مفاهیم آن به عنوان یگانه عامل وحدت بخش میان قومیت‌های مختلف اعم از فارس، ترک، کرد، عرب و بلوچ در انقلاب ایران پرداخت. در الگوی انقلاب اسلامی از آنجا که انسان به ما هو انسان دارای ارزش است. بر احقاق حقوق و ارزش‌های انسانی که مطلوب تمام ملت‌ها اعم از اسلامی و غیراسلامی است تأکید می‌شود (Mojarrad, 2008: 127).

بنابراین الگوهای نوسازی پس از انقلاب اسلامی، مبتنی بر تغییر در برداشت از مسائل اجتماعی و بازگشت به راه حل‌های اسلامی بود. رویکرد فرهنگی نخبگان دینی، ابتدا از طریق نهادهای نهادینه کردن آن در قانون اساسی آغاز شد و سپس با تأسیس نهادها و ایجاد دفاتر و مراکز جهت تبلیغ ارزش‌های دینی، نظیر واحدهای تبلیغات، ارشاد و عقیدتی سیاسی ادامه یافت. پس از آن، هنجارهای تازه‌ای بر اساس مذهب نظیر ساده زیستی و تأکید بر پوشاک بومی و تغییر در نوع لباس عرضه کرد. این رویکرد با طرد ارزش‌های غربی و با هدف انقلاب فرهنگی به تغییر بنیادی نظام آموزش استعماری در مراکز آموزشی همت گمارد (Zahiri:2010).

۳. انقلاب اسلامی و ظرفیت عدالت خواهی

عدالت زمینه ساز مشروعیت و ثبات سیاسی و مشارکت سیاسی حکومت‌ها است. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «اساس تشکیل حکومت اسلامی بر اساس حکومت اسلامی است و در تمام آثار دینی که نگاه می‌کنید هدف و غایت برای حرکت جامعه اسلامی تشکیل حکومت عادلانه است» (Ayatollah Khamenei, 2003). انقلاب اسلامی نشان داد که هدف نهایی از عدالت و برقراری آن در جامعه چیزی جز رساندن جامعه به سعادت واقعی نیست. با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملاحظه می‌شود که واژه (عدل) ۹ بار و واژه (عدالت) ۸ بار به کار برده شده است که نشان دهنده این موضوع در انقلاب اسلامی بوده است. در قانون اساسی نه تنها عدل و عدالت برای مردم ایران به عنوان یک حق همگانی در نظر گرفته شده است، بلکه از آن به عنوان یک حق برای مردم جهان مطرح شده است (اصل ۱۵۴). این موضوع در قانون اساسی به قدری مهم در نظر گرفته شده است که یکی از ویژگی‌های رهبر (عدالت) شمرده شده است (اصل ۱۰۹).

قلمرو همگرایی: امکانات و محدودیت‌های کشورهای اسلامی

باهدف بررسی ظرفیت‌های انقلاب اسلامی در همگرایی کشورهای اسلامی، ظرفیت‌های سیاسی و ظرفیت‌های فرهنگی - اجتماعی مشخص و بیان شد که برای دستیابی به همگرایی کشورهای اسلامی می‌توان از این ظرفیت‌ها استفاده نمود.

بدیهی است که کشورهای اسلامی به لحاظ ویژگی های ساختاری و جغرافیایی یکسان نیستند و به منظور پذیرش ظرفیت های انقلاب اسلامی شرائط یکسانی ندارند. لذا این کشورها را باید به لحاظ محیط پخش و برخورداری از شرائط موجود به کشورهای همگرا و غیرهمگرا تقسیم نمود، در این صورت مشخص خواهد شد که چگونه برخی از این کشورها آمادگی بیشتر و یا کمتری برای قرارگرفتن در مسیر همگرایی دارند.

تلاش براین است با توجه به ارکان نظریه پخش ظرفیت های انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی به لحاظ ویژگی- های مختلف آن‌ها، ابتدا مروری بر امکانات کشورهای اسلامی خواهیم داشت و سپس محدودیت‌های آن‌ها مورد بررسی قرارخواهد گرفت و سپس با توجه به نظریه پخش امکان و چگونگی ایجاد همگرایی آن‌ها با توجه به ظرفیت‌های انقلاب اسلامی مورد مطالعه و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱. امکانات کشورهای اسلامی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های انقلاب اسلامی

کشورهای اسلامی مجموعه‌ای بزرگ و درهم تنیده‌ای از خصایص و ویژگی‌های مشترک و بعضاً متفاوت هستند که امروزه با عنوان جهان اسلام از آن یاد می‌کنند. این کشورها امکانات و فرصت‌های بسیار مهمی برای تبدیل شدن به قدرت جهانی و حداقل منطقه‌ای دارند که می‌تواند فرایند همگرایی را تسهیل بخشند. از لحاظ سیاسی برخورداری از ۵۷ رای در سازمان ملل، داشتن دشمن مشترک، دغدغه و چالش‌های سیاسی و امنیتی مشترک. از نظر اقتصادی. برخورداری از حدود ۶۵ درصد منابع انرژی جهان، قرارگرفتن در موقعیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیک و داشتن مزیت‌های اقتصادی فراوان، دارای نیروی انسانی جوان. از لحاظ فرهنگی، برخورداری از آیین حیات بخش اسلام و آموزه‌های اسلامی، داشتن سابقه فرهنگ و هویت و تمدن مشترک پویا را می‌توان برشمرد. درجدول زیر برخی امکانات و بعضاً محدودیت‌های جغرافیایی این کشورها را می‌توان مشاهده کرد.

نگاهی کلی به موقعیت جغرافیایی کشورهای اسلامی (شکل ۱)

جغرافیای طبیعی	۱- مساحت: ۲۲درصد مساحت کل جهان ۳۱ میلیون کیلومتر. سه برابر قاره اروپا و چهار برابر اقیانوسیه. ۲- پراکندگی جمعیت: قرارگرفتن در قاره آمریکا، اروپا، آسیا، آفریقا. ۳- داشتن موقعیت جغرافیایی مخصوص: ۶۱ درجه طول غربی از نصف النهار گرینویچ و ۱۳۰ درجه طول غربی از خط استوا. از شرقی ترین و غربی ترین دارای ۱۳ ساعت اختلاف زمان است. ۴- وجود اقلیم های مختلف: خشکی، بیابان، کویر، کوهستان، دریا و جنگل و تنوع آب وهوایی
جغرافیای انسانی	۱- جمعیت: ۴۲۶/۱۵/۷۲۵ نفر. پرجمعیت ترین اندونزی (۲۳۸/۴۵۲/۹۵) نفر و کم جمعیت ترین مالدیو ۳۳۹/۳۳۰ نفر. میانگین ۱۱۴ نفر در هر کیلومتر. متوسط تر رشد جمعیت ۲/۱۶ درصد ۲- تقسیم بندی جغرافیایی: جنوب غرب آسیا با ۲ کشور. جنوب شرق آسیا با ۵ کشور. خاورمیانه و آسیای جنوب غربی ۱۴ کشور. آسیای میانه با ۶ کشور. آفریقای شمالی با ۵ کشور. آفریقای شرقی و شاخ آفریقا با ۲ کشور. و آفریقای غربی با ۱۳ کشور ۳- نژاد و قوم: ۱۷ کشور نژاد سامی دارد. در کشورهای آفریقای اکثریت نژاد بربر می باشد. نژاد عرب در خاورمیانه. نژاد کرد در عراق و سوریه و ایران. نژاد ایرانی. قوم ازبک در ازبکستان و پشتون در افغانستان. قوم ترک در ترکیه و ایران. ترکمن در ترکمنستان و عراق و ایران. مهمترین اقوام هستند. ۳- زبان: ۲۰ کشور از ۵۷ کشور اسلامی به عربی صحبت می کنند. زبان فارسی، انگلیسی. قزاقی. قرقیزی، ترکی، کردی، تاجیکی و روسی. ۴- مذهب: اکثریت مسلمان اهل تسنن هستند و شیعیان بیشتر در ایران و عراق و افغانستان و کویت و بحرین هستند.
موقعیت استراتژیک	قرار گرفتن در مسیر آبراه‌های بین‌المللی (دریاه‌ها، تنگه‌ها، خلیج‌ها) برخورداری از مزیت‌های مهم اقتصادی (۶۵ درصد منابع انرژی جهان)

Source: Authors

محدودیت‌ها و موانع کشورهای اسلامی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های انقلاب اسلامی

مهمترین زمینه‌های واگرایی در کشورهای اسلامی که به نوبه خود در پذیرش آموزه‌های انقلاب اسلامی نیز تاثیر گذار می‌باشند را می‌توان به شرح ذیل بررسی نمود:

۱- موانع درونی همگرایی کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی به لحاظ مذهبی و قومی یکسان نیستند، بلکه تعصبات قومی و عصبیت‌های قبیله‌ای و برداشت‌های

مختلفی از دین اسلام، مجموعه مختلف و بعضاً متضادی از ویژگی‌ها را به نمایش گذاشته است. اختلافات قومی و مذهبی در درون کشورهای اسلامی مشکلات عدیده‌ای را فراروی کشورهای اسلامی قرار داده است که ظهور و گسترش پدیده تروریسم یکی از آثار و پیامدهای آن می‌باشد که تاکنون هزینه‌های مادی و معنوی و انسانی زیادی را برای مجموعه جهان اسلام بوجود آورده است (Dehghan, and Ketabi and Ja'afarinejad 2016:29).

کشورهای اسلامی از جهات مختلف بعضاً با هم دارای اختلافات مرزی و سرزمینی هستند که این مساله باعث ایجاد روحیه شک و بدبینی و ایجا اختلاف بین این کشورها شده است، این مساله روند همگرایی و امید به دستیابی به آن را همواره با مشکل روبرو می‌سازد. مطالعه و بررسی وضعیت سیاست و حکومت و جامعه در کشورهای اسلامی گویای این واقعیت است که، در بسیاری از این کشورها سازوکار و ساختار یک نظام سیاسی دمکراتیک وجود ندارد و اصولاً دولت‌ها و حاکمان هم تمایلی به این مساله نداشته و ندارند. در کشورهای اسلامی، از دیدگاه سیاسی، ظاهر نظام‌ها متنوع است، از پادشاهی گرفته تا جمهوری، ولی از دید بیشتر پژوهشگران و کارشناسان، جز مواردی اندک، بیشتر کشورهای منطقه نظام‌های سیاسی بسته و غیردموکراتیک دارند (Badi 2008).

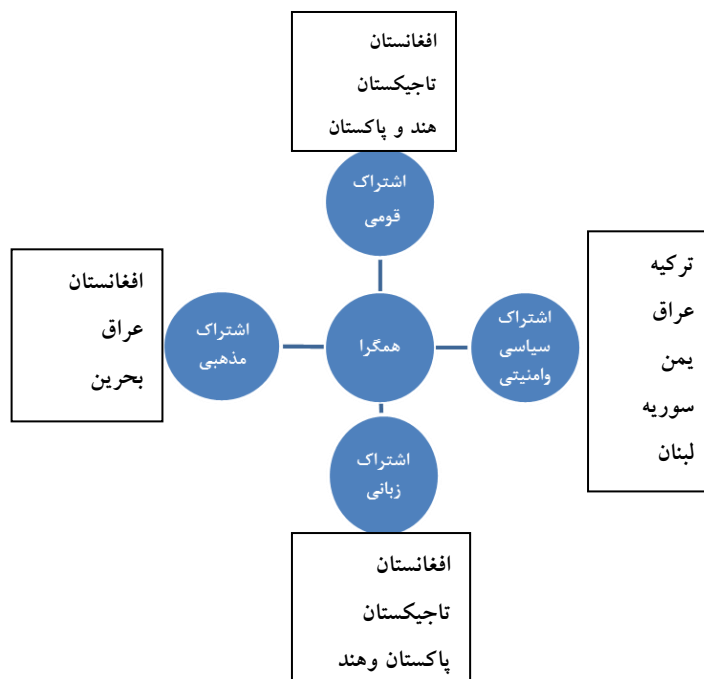
یکی از مشکلات فراروی کشورهای اسلامی که روند همگرایی را با مشکل روبرو ساخته است، مساله گستردگی و پراکندگی جغرافیایی کشورهای اسلامی است. قلمرو جغرافیایی جهان اسلام را می‌توان به یازده منطقه جغرافیایی شامل؛ جنوب شرق آسیا، جنوب آسیا، فلات ایران، سیای مرکزی، قفقاز و ترکیه، اروپای جنوب شرقی، شمال افریقا، شرق افریقا، غرب افریقا، افریقای مرکزی، و شبه جزیره عربستان تقسیم کرد (Hafeznia.2010:139). از این رو پراکندگی جهان اسلام در سه قاره یکی از عوامل واگرایی کشورهای اسلامی محسوب می‌شود.

۲- بررسی موانع بیرونی همگرایی کشورهای اسلامی

بیشتر کشورهای جهان اسلام به ویژه در شبه جزیره عربستان و آسیای مرکزی و قفقاز از عدم مشروعیت سیاسی رنج می‌برند، عدم اعتماد و اتکای دولتمردان این کشورها به مردم از یک سو و بدبینی به همسایگان مسلمان خود از سوی دیگر باعث شده تا این دولتمردان برای حفظ و بقای رژیم سیاسی خود به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و جهانی متوسل شوند. این وابستگی کشورهای اسلامی به ابرقدرت‌ها زمینه‌ساز مشکلات زیادی برای آنان شده است که، وابستگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی برخی از این‌ها می‌باشد.

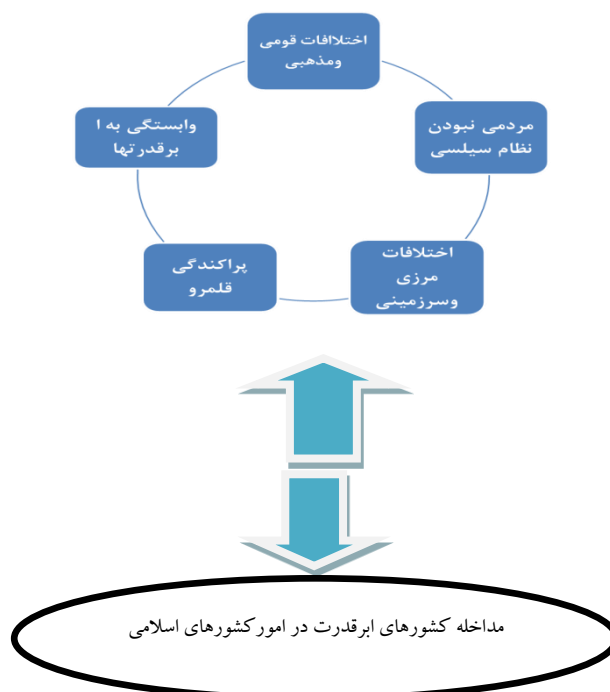
بنابراین در کنار عوامل داخلی واگرایی کشورهای اسلامی همواره باید به نقش عوامل خارجی هم در این زمینه اشاره کرد. وجود پیمان‌های مختلف نظامی و امنیتی کشورهای حوزه خلیج فارس با آمریکا و حضور سربازان این کشور در قالب این ائتلاف و اتحاد، همواره به عنوان یکی از موضوعات مناقشه برانگیز در این کشورها بوده است که باعث تظاهرات و اعتراضات زیادی از سوی مردم علیه نظام سیاسی حاکم شده است.

بنابراین در کنار برخورداری از امکانات بیشماری که به آن اشاره شد، کشورهای اسلامی از موانع زیادی هم رنج می‌برند که فرایند همگرایی این کشورها را با مشکل روبرو می‌کند که می‌توان از آنها به عنوان عوامل واگرا یاد کرد، اما نکته ای که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد این است که، قلمرو این کشورها در بحث همگرایی شرایط یکسانی ندارد



شکل ۲ قلمرو همگرایی کشورهای اسلامی Source: Authors

در کنار اشتراکات کشورهای اسلامی که زمینه و بستر مناسبی برای ایجاد همگرایی می تواند باشد، عواملی دیگر وجود دارد که از آنها همانطور که قبلا اشاره شد، به عنوان عوامل واگرا و یا موانع همگرایی این کشورها می توان یاد کرد. این عوامل تاکنون تلاش های انجام شده برای ایجاد وحدت و تقریب و همگرایی این کشورها را با مشکل روبرو نموده است.



شکل ۳ محدودیت های همگرایی ۱. محدودیت های درونی کشورهای اسلامی ۲. محدودیت های بیرونی کشورهای اسلامی Source: Authors

این عوامل درحقیقت همان چیزی است که در این جا به عنوان موانع همگرایی برشمرده شده است و می تواند تجربه انقلاب اسلامی درحل برخی از آنها مورد توجه معضل همگرایی کشورهای اسلامی باشد. در میان موانع زیر

«مردمی نبودن نظام سیاسی» و «وابستگی به ابرقدرت‌ها» نسبت به سایر عوامل گفته شده موقعیت و نقش بیشتری در فرایند همگرایی دارد زیرا، این‌ها از عوامل جبری و محیطی این کشورها نیست و می‌تواند همانند انقلاب اسلامی در این کشورها مورد توجه و تحقق قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی و پژوهشی

گرچه همگرایی کشورهای اسلامی یکی از نیازهای اساسی و مهم حال حاضر این کشورها است، اما به دلیل بی‌توجهی به بسترهای شکل‌گیری آن امروزه به آرزوی دست‌نیافتنی تبدیل شده است. این مساله از این جهت حائز توجه و اهمیت است که کشورهای اسلامی با برخورداری از امکانات و ظرفیت‌های بی‌ظنیر مختلف، که می‌تواند این کشورها و مجموعه جهان اسلام را به عنوان یک قدرت بالقوه در سطح منطقه و جهان مطرح کند، با مشکلات و چالش‌های بی‌شماری روبرو هستند.

برای پاسخ به چگونگی ایجاد بستر همگرایی کشورهای اسلامی در حال حاضر در این جا به مشکل مشترک کشورهای اسلامی که به صورت کلی در ایجاد همگرایی آن‌ها تاثیر دارد پرداخته شده و سپس براساس تجربه‌های انقلاب اسلامی برخی راهکارها برای دستیابی به همگرایی پیشنهاد شده است. در ادامه برای تبیین این مساله به سه موضوع اشاره شده است؛ موضوع اول معرفی امکانات و توانمندی‌های این کشورها است که به عنوان مزیت نسبی می‌تواند روند همگرایی این کشورها را تسهیل بخشد، مساله و موضوع دوم، اشاره به محدودیت‌ها و موانع همگرایی و به عبارت دیگر عوامل واگرایی کشورهای اسلامی است. و نهایتاً موضوع سوم، بهره‌گیری از چارچوب نظری مناسب به منظور طراحی مدل بومی برای همگرایی است که بتواند بستر همگرایی کشورهای اسلامی را شناسایی و راهکارهای لازم در این زمینه را پیشنهاد نماید.

در این مقاله برای دستیابی به هدف نخست، یعنی بررسی امکانات کشورهای اسلامی، به ظرفیت‌های مختلف این کشورها اشاره شده است، با این توضیح که ضمن اشاره کلی به جغرافیای کلی کشورهای اسلامی (شکل ۱ و ۲) وضعیت جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی و وضعیت استراتژیک این کشورها در مجموعه کشورهای جهان مشخص شده است و به صورت مختصر به این مهم اشاره شده است که، مجموعه کشورهای اسلامی که از آن به جهان اسلام یاد می‌شود، دارای ۵۷ رای در سازمان ملل متحد، حدود ۲۲ درصد جمعیت جهان و ۲۳ درصد مساحت جهان را در اختیار دارند، و ضمن قرار گرفتن در نقاط استراتژیک جهان برخوردار از دریاها و آبراهه‌های بین‌المللی و دسترسی به مسیرهای حمل و نقل جهان هستند. همچنین از نظر اقتصادی وضعیت این کشورها به گونه‌ای است که حدود ۶۵ درصد منابع انرژی جهان را از نظر نفت و گاز در اختیار دارند. علاوه بر این ظرفیت‌ها می‌توان به ظرفیت فرهنگی هم اشاره نمود، برخورداری از دین مشترک (اسلام) و قبله مشترک (کعبه) و پیامبر واحد برخی از وجوه مشترک و غیرانکار مسلمان برای بهره‌مندی از مزایای همگرایی است تا بتوانند توانایی خود را به فعلیت برسانند.

در محور دوم مقاله، به محدودیت‌های همگرایی و موانعی که فرایند همگرایی را با مشکل روبرو می‌کند اشاره شده است و گفته شده است مهمترین مشکل این کشورها در حقیقت، اختلاف در سطح نظام سیاسی و نوع نظام سیاسی این کشورها است که بارزترین آن در اشکال غیردمکراتیک بودن نظام‌های سیاسی و وابستگی این کشورها به نظام سلطه خود را نشان می‌دهد و همین مساله زمینه ساز وجود مشکل در تصمیم‌گیری برای این کشورها شده است

(شکل ۳)، به گونه‌ای که در این کشورها چالش‌های دولت ملت زمینه‌ساز عدم ترسیم منافع ملی مشخص برای این کشورها شده است. به گونه‌ای که رژیم‌های سیاسی در این کشورها به دلیل مشکلات یاد شده اعتماد به نفس لازم برای حل و فصل مشکلات خود را ندارند و همواره تلاش می‌کنند از اراده‌های معطوف به خارج برای حل مشکلات خود استفاده نمایند، از این رو می‌توان گفت پرداختن به مساله همگرایی که مبتنی بر تشریک مساعی کشورها با یکدیگر و اشتراک نظر در نیازها و اولویت‌های تصمیم‌گیری در سطوح سیاست داخلی و خارجی است در این وضعیت دور از انتظار شده است.

برای حل این معضل گفته شده است که کشورهای اسلامی نیازمند درک حداقل دو موضوع، یعنی توجه به ملت‌های خود در عرصه تصمیم‌گیری و بکارگیری اراده آنها در این زمینه و استفاده از ظرفیت‌های آنها برای ایجاد همگرایی از یک سو و همچنین دستیابی به استقلال ملی از سوی دیگر است. همچنین تفسیر واقعی از دین، متناسب با واقعیات جامعه و بکارگیر آن در مناسبات سیاست و حکومت در این زمینه لازم است. به همین منظور انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک الگوی نسبتاً کارآمد که توانسته است به این مراحل دست پیدا کند اشاره شده است، انقلاب اسلامی با تشکیل نظام مردم‌سالاری دینی و بهره‌گیری از حمایت مردمی، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی، توانسته است بحران‌های زیادی که می‌توانست باعث فروپاشی آن شود در زمینه داخلی و خارجی از طریق بهره‌گیری از حمایت مردمی حل نماید، مقابله با هشت سال تجاوز نظامی دشمن که با حمایت جهانی همراه بود و حل و فصل بحران‌های مختلف از جمله سیل و زلزله و امثال آن توانسته است رابطه متقابل ملت و دولت در بسیاری از زمینه‌ها نشان دهد و لذا می‌توان گفت این از ویژگی‌های منحصر بفرد انقلاب اسلامی است. از این رو اگر این تجربه در سایر کشورهای اسلامی هم تحقق پیدا نماید می‌تواند چشم‌انداز مناسبی از همکاری دولت‌ها و ملت‌ها و درک مشترک از نیازها و اولویت‌های داخلی و خارجی کشورها را فراهم آورد که در راس آن نیاز به همگرایی است.

در این قسمت ضمن اشاره به ظرفیت‌های مختلف انقلاب اسلامی به این مساله تاکید شده است که کشورهای اسلامی می‌توانند از تجربیات انقلاب اسلامی الگو بگیرند و زمینه‌های همگرایی را تسهیل بخشند. البته با ترسیم (شکل ۲) گفته شده است که وضعیت کشورها برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های انقلاب اسلامی یکسان نیست و بدیهی است که همه کشورهای اسلامی نسبت به انقلاب اسلامی نگاه واحدی نداشته باشند و آن را حتی به عنوان مانع پیشرفت منطقه تلقی نمایند که این هم به دلیل متاثر شدن از سیاست وابستگی آنها و تحت تاثیر قرار گرفتن از تبلیغات کشورهای سلطه‌گراست، لذا می‌توان کشورها را به لحاظ اشتراک نظر و اختلافاتی که دارند در موضوع همگرایی و برخورد از ظرفیت‌های انقلاب اسلامی به کشورهای (همگرا) و (واگرا) دسته‌بندی نمود.

در این تحقیق که با روش «توصیفی-تحلیلی» استفاده شده است، تلاش شده است با بررسی منابع موجود و مطالعات کتابخانه‌ای، به منظور همگرایی کشورهای اسلامی، ظرفیت‌های انقلاب اسلامی بیان گردد. و نهایتاً با هدف طراحی چارچوب نظری مناسب برای پوشش بحث همگرایی کشورهای اسلامی براساس ظرفیت‌های انقلاب اسلامی، تلاش شده است بین نظریه همگرایی کارکردی، و نظریه پخش ارتباط مفهومی برقرار شود، از این رو بین مفهوم (تسری) (spill over) که به معنای سرریز شدن در نظریه «همگرایی کارکردی است»، با مفهوم (اشاعه) در نظریه پخش ارتباط برقرار شده است و نتیجه‌گیری شده است که در هر دو نظریه به این مساله می‌پردازند که اگر تجربیات

و یا ایده و خلاقیت خاصی در یک کشور از مجموعه کشورهای که اشتراکاتی دارند پدید آید و کارآمدی خود را نشان دهد، این موضوع بر اثر مناسبات و ارتباطات انجام شده بین دولت‌ها و ملت‌ها می‌تواند در آینده به سایر کشورهای دیگر هم سرایت و مورد قبول قرار گیرد. از این رو برخی از تجربیات انقلاب اسلامی در زمینه سیاست و حکومت و استقلال که در انقلاب اسلامی کارایی خود را نشان داده است، می‌تواند به عنوان یک ارزش و الگوی و تجربه مورد استفاده سایر کشورهای اسلامی هم قرار گیرد. استفاده از حمایت و ظرفیت مردمی در مقابله با پدیده داعش در سوریه و عراق نوعی از این ظرفیت برای حل مشکلات داخلی و خارجی به شمار می‌رود.

بر اساس نظریه پخش همواره ایده‌های و تجارب موفق که قابل سرایت به پیرامون خود هستند تخت از کشوری که از آن برخوردار است به عنوان کشور مبدا، به کشورهای دیگر که کشورهای مقصد می‌باشد سرایت می‌کند همچنین موضوع پخش، ابزار پخش، برخی دیگر از ارکان این نظریه هم مورد توجه قرار گرفته است از این رو، از انقلاب اسلامی به عنوان مبدا پخش و از کشورهای اسلامی به عنوان مقصد پخش استفاده شده است. در ادامه از ظرفیت‌های انقلاب اسلامی یعنی (برخوردار از نظام مردمی، پیوند دهنده دین و سیاست در حکومت، مقابله با نظام سلطه حفظ استقلال و برخوردار از نظام معرفتی)، به عنوان موضوعاتی یاد شده است که می‌تواند از انقلاب اسلامی به عنوان یک تجربه به سایر کشورها سرایت کند، این تبادل تجربیات از انقلاب اسلامی به کشورهای دیگر، می‌تواند از طریق نهادها و سازمان‌های مختلف به عنوان ابزار پخش که وظیفه انتقال ظرفیت‌های انقلاب اسلامی را برعهده دارند انجام شود. وزارت امور خارجه، حوزه های علمیه و دانشگاه‌ها، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان کنفرانس اسلامی، مجمع تقریب اسلامی، برخی از این سازمان‌ها می‌باشند.

این انتقال تجربیات و ظرفیت‌ها دقیقاً از طریق نظریه نوکارکردگرایی هم تطبیق شده است، زیرا بر اساس پیش فرض این نظریه، کشورهای برخوردار از اشتراکات مختلف به عنوان یک سیستم با کار ویژه‌ای مختلف است که می‌تواند ارزش‌های موفق و کارآمد در هر یک از اجزاء به عنوان یک کار ویژه در سایر کشورها هم سرایت کند. بر این اساس ارزش‌ها و الگوهای انقلاب اسلامی پس از پیروزی آن در قالب‌های، تظاهرات، حجاب و پوشش، شعارهای انقلابی، جنبش‌های مردمی و اسلامی که غالباً رویکرد مذهبی و ضد غربی داشت در کشورهای پیرامون مثل عراق، افغانستان، پاکستان و کشورهای حوزه خلیج فارس سرایت کرد.

نکته‌ای که در این جا بیشتر مورد تاکید قرار گرفته است برای حل و فصل مشکلات جهان اسلام و ارائه راهکار، به جای صرفاً توصیه به مشترکات مذهبی در قالب وحدت و تقریب که مورد مناقشه و اختلاف بین کشورها می‌باشد به تجربیات عملی که نیاز اصلی این کشورها می‌باشد اشاره شده است. لذا بیشتر تاکید در انتقال ظرفیت‌های انقلاب اسلامی به کشورهای اسلامی، بر رویکرد مردمی بودن انقلاب اسلامی و استقلال آن بوده است که وجه بارز آن در حال حاضر است و گفته شده است این تجارب محقق به عنوان ظرفیت انقلاب اسلامی می‌تواند در سایر کشورها هم اتفاق بیفتد، موضوعی که با عنوان بیداری اسلامی و شکل‌گیری قیام‌های مردمی و به زیرک‌شده شدن دیکتاتورهای مختلف در این کشورها قابل مطالعه و ارزیابی است.

References

Holy Quran

Ghazi Moradi, Hasan, (2003), "a contemplation over our laggardness", 1st ed., Tehran, Akhtaran

- August Vitfogel, Karl, (no date), "eastern despotism", tr. Mohsen Tholathi, Tehran, Thaleth Sa'ei, Ahmad, (2015), "political-economic issues of the third world", government and politics in the third world, Samt
- Katouzian, Homayun, (1998), "Iran's political economy", tr. Muhammad Reza Nafisi and Kambiz Azizi, 6th ed., Tehran, Central Publication
- Challenges of democracy in Arabic countries, (2013), Journal of Economist, (19): 13
- Saifzadeh, Hussein; Rowshandel, Jalil, (2003), "structural conflicts in Persian Gulf Region", Tehran, the center for the Middle-East's scientific and strategic research
- Behdarvand, Muhammad Mahdi, (2002), "an introduction to the relationship between religion and politics", seasonal journal of Islamic government", 7(2):176-209, ISBN: 24
- Sorush, Muhammad, (2008), "religion and government in Islamic thought", Qom, Boustane-Ketab
- Aghabakhshi, Ali, (1997), "dictionary of political sciences", Tehran, the center for Iran's scientific information and document
- Imam Khomeini, "Sahifeh", v.17, p.56
- Imam Khomeini, "interview of Imam with France's radio and television on 23rd of September, 1978"; Imam Khomeini, "Sahifeh", v.3, p.468
- Derakhsheh, Jalal; Kamali, Ali, (2016), "representation of supportive actions in the mirror of Islamic Republic of Iran's diplomacy", seasonal journal of the political studies of Islam world", 6(1): 29-54
- Dehghani Firooz Abadi, Sayyed Jalal, (2016), "foreign policy of Islamic Republic of Iran", p.580
- Karahroudi, Hussein, (2001), "Palestine's Intifada, the product of the contemporary Islamic fundamentalism", seasonal journal of political sciences, summer, 4(14):199
- Abolfazlu, Hussein, (2005), "unity from the perspective of Imam Khomeini (may Allah consecrate the honorable soil of his tomb): strategy or tactic", Pegah-e-Howzeh, no.174
- Imam Khomeini, Sayyed Ruhollah, (1996), "jurisprudential guardianship: Islamic Government", Tehran, Amir Kabir
- Ebrahimzadeh Amoli, Nabi Allah, (2008), "origin of legitimacy in the political thinking of Islam and Imam Khomeini", seasonal journal of Islamic government, no.15
- Homayun, Muhammad Hadi, (2011), "the history of Mahdavi Territory's civilization", Tehran, Imam Sadeq (PBUH) University
- Afrough, Emad, (2006), "critical discourses", 1st ed., Tehran, Sureh Mehr Publication Company
- Motahari, Mortaza, (1998), "about Islamic Republic of Iran", Tehran, Sadra
- Bavand, Ne'ematollah, (2010), "an introduction to the theory of Islamic Revolution", 6th ed., center of youths' thoughts
- Mojarrad, Mohsen, (2008), "Islamic Revolution's effects on the international policy", Tehran, the center for the Islamic Revolution's documents
- Zahiri, Ali Reza, (2010), "Islamic Republic and the issue of identity", 1st ed., Qom, the Islamic science and culture research center
- The speeches by his highness the supreme leader, 05/22/2003, cited in the database for the preservation and promotion of his highness's works
- The speeches by his highness the supreme leader, 02/18/2003, cited in the database for the preservation and promotion of his highness's works
- Afrough, Emad, (2008), "philosophical elaboration of the Islamic Revolution based on sublime wisdom", weekly journal of Pegah-e-Howzehm no.217
- Imam Khomeini, Sayyed Ruhollah, (no date), "Sahifey-e-Noor", v.9, Tehran, Ministry of Islamic Promotion
- His Highness Imam Ayatollah Khamenei, "a message for the second anniversary of Imam Khomeini's demise", 13th of June, 1991
- Dehghan, Yadollah ; Ketabi Mahmoud and Ja'afarinejad, Mas'oud, (2016), "ethnic and religious disputes and their effects on the formation and growth of radicalism in the region", seasonal journal of international political studies, 8(29)
- Badi'e, Bartaran, (2008), "political development", 5th ed., tr. Ahmad Naghibzadeh, Tehran, Qomes
- Hafeznia, Muhammad Reza, (2010), "geopolitical challenges of convergence in Islam World", human geography research, (80): 139

- Shakou'ei, Hussein, (1985), "applied geography and geographical schools", Mashhad, Astan-e-Ghods-e-Razavi Press, pp.111-112
- Dougherty, James and Pfaltzgraff, Robert, (1995), "conflicting theories in international relations, tr. Ali Reza Tayyeb, Vahid Bozorgi, Tehran, Qomes
- Hass.Ernst, (1958) the uniting of Europe: Stanford.university,pres.
- Puchala Donald j ,(1973) Blind men .Elephants and international integration . *Journal of common market studies*, No, 3. (March 1973).